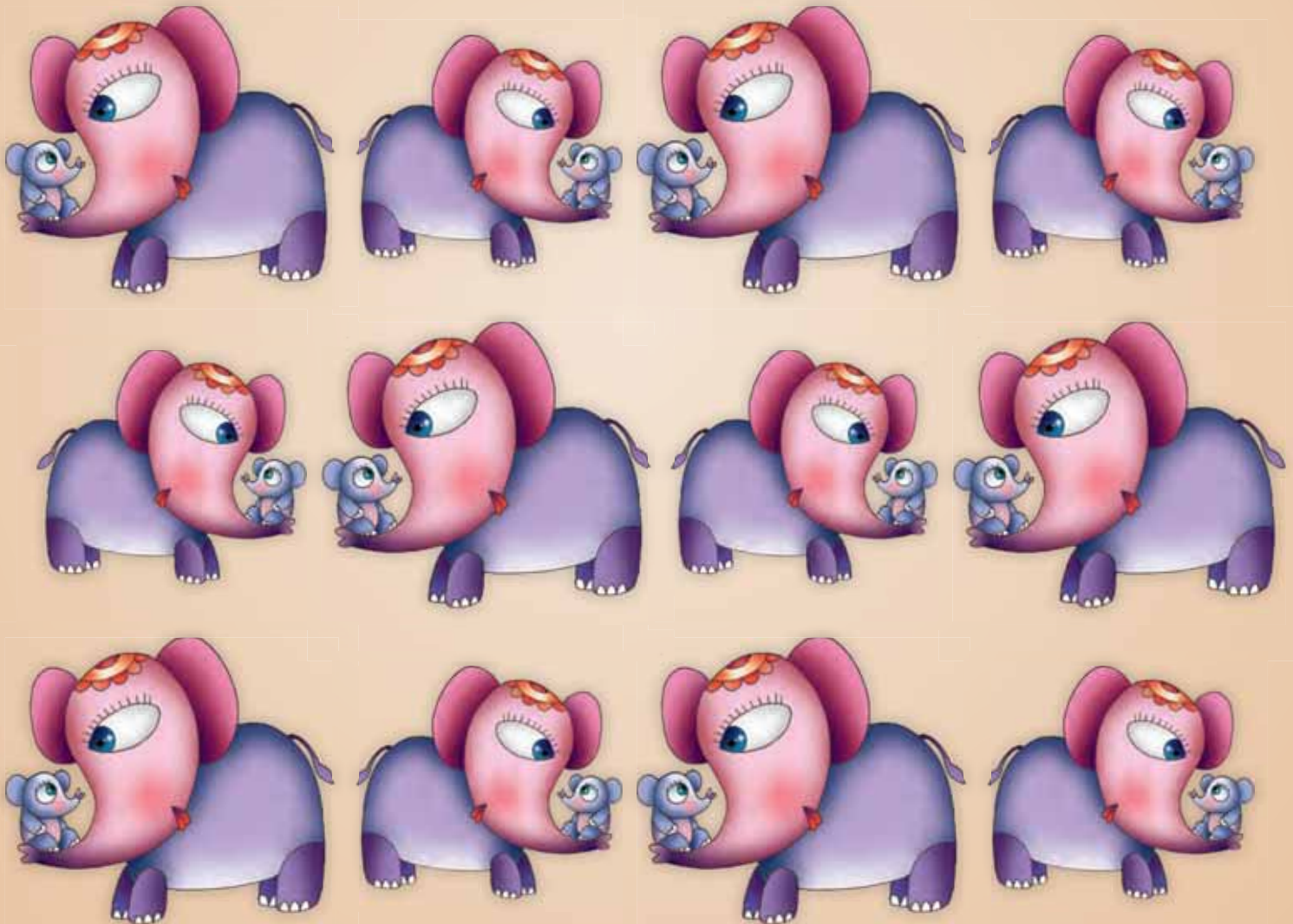


خردسالان

دوست



سال دهم
شماره ۴۶۴ ، شنبه
۱۰ دی ماه ۱۳۹۰
۵۰۰ تومان



دوست

خردسالان

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

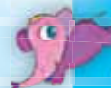
پدر و مادر عزیز، مربی گرامی

این مجموعه ویژه‌ی خردسالان طراحی شده است. علاوه بر جنبه‌های آموزشی، تفریحی و سرگرمی، افزایش مهارت‌های عملی خردسالان از اهداف اصلی آن است. بریدن، جدا کردن، رنگ آمیزی، حتی خط خطی کردن و هر گونه فعالیت پیش‌بینی نشده از طرف کودک، می‌تواند به ایجاد ارتباط، اعتماد به نفس، شادی و رشد خلاقیت او کمک کند. او را در شیوه استفاده از مجله آزاد بگذاریم. تنها به عنوان پیشنهاد و راهنمایی در بعضی از صفحات مجله توضیحات کوتاهی درج شده است.

- مدیرمسئول: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
- سردبیران: افشین اعلاء، مرجان کشاورزی آزاد
- تصویرگر: محمدحسین صلواتیان
- گرافیک و صفحه‌آرایی: مجتبی صلواتیان
- لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج
- امور مشترکین: عبدالملکی
- نشانی: تهران-خیابان انقلاب، چهار راه کالج، شماره ۸۶، نشر عروج
- تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷ و ۶۶۷۰۶۸۳۳ نمابر: ۶۶۷۱۲۲۱۱

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

۳ با من بیا ...



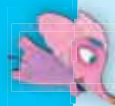
۴ کلاه و موشی



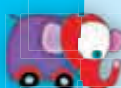
۷ نقاشی



۸ فرشته‌ها



۱۰ کفش‌های بابا



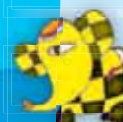
۱۲ خانه بیلاقی



۱۶ بازی



۱۷ جدول



۱۸ باد و باران



۲۰ توپ



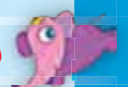
۲۲ قصه‌ی حیوانات



۲۴ کاردستی



۲۵ فرم اشتراک



۲۷ ترانه‌ها





بامنی بیا

دوست من سلام.

من فیل هستم. یک حیوان بزرگ! گوش‌هایم بزرگ است. پاها و دست‌هایم بزرگ است.

خرطومم هم بزرگ است. دو تا دندان خیلی بزرگ هم دارم که به آن عاج می‌گویند.

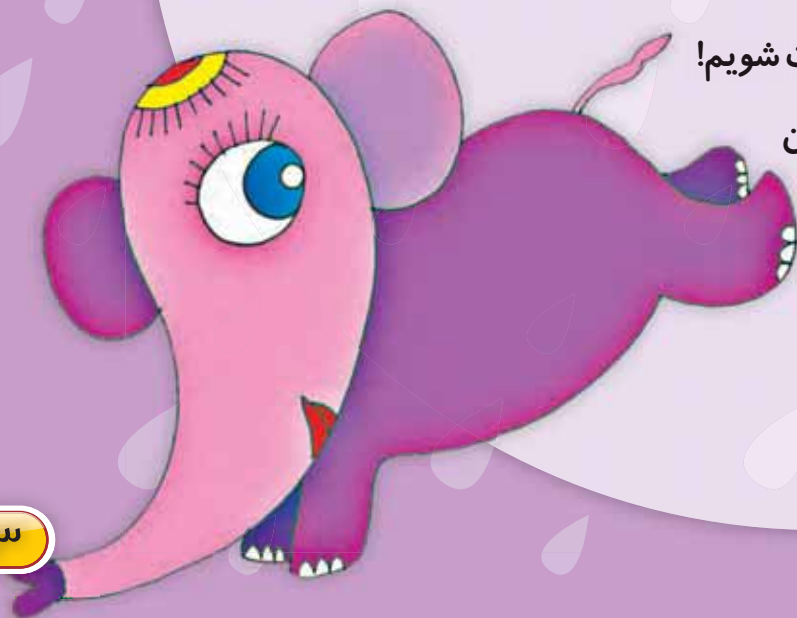
خرطوم، بینی من است که از آن به جای دست هم استفاده می‌کنم. با خرطومم، میوه‌ها، علف‌ها و برگ‌ها را می‌چینم و آن را در دهانم می‌گذارم. خرطومم را پر از آب می‌کنم، بعد آن را در دهانم

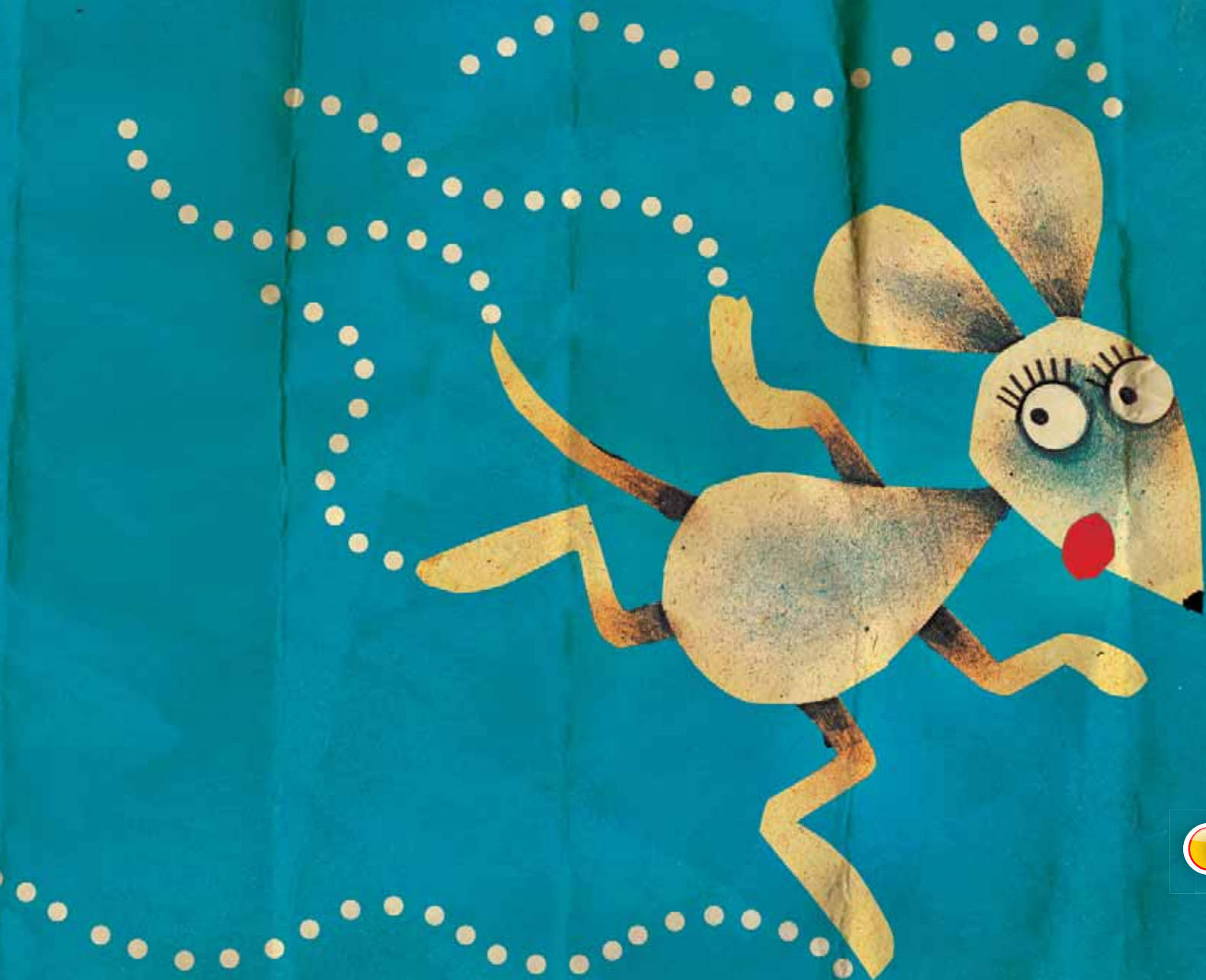
می‌ریزم، گاهی هم آب را مثل فواره روی سرم می‌پاشم و حسابی خنک می‌شوم!

امروز پیش تو آمده‌ام تا مرا بشناسی و با هم دوست شویم!

حالا مدارنگی‌هایت را بردار و برای ورق زدن

مجله، با من بیا...





♦ مجید راستی

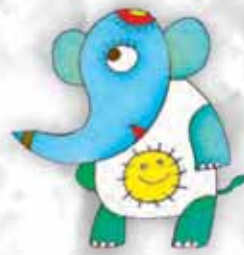


کلاه و موشی

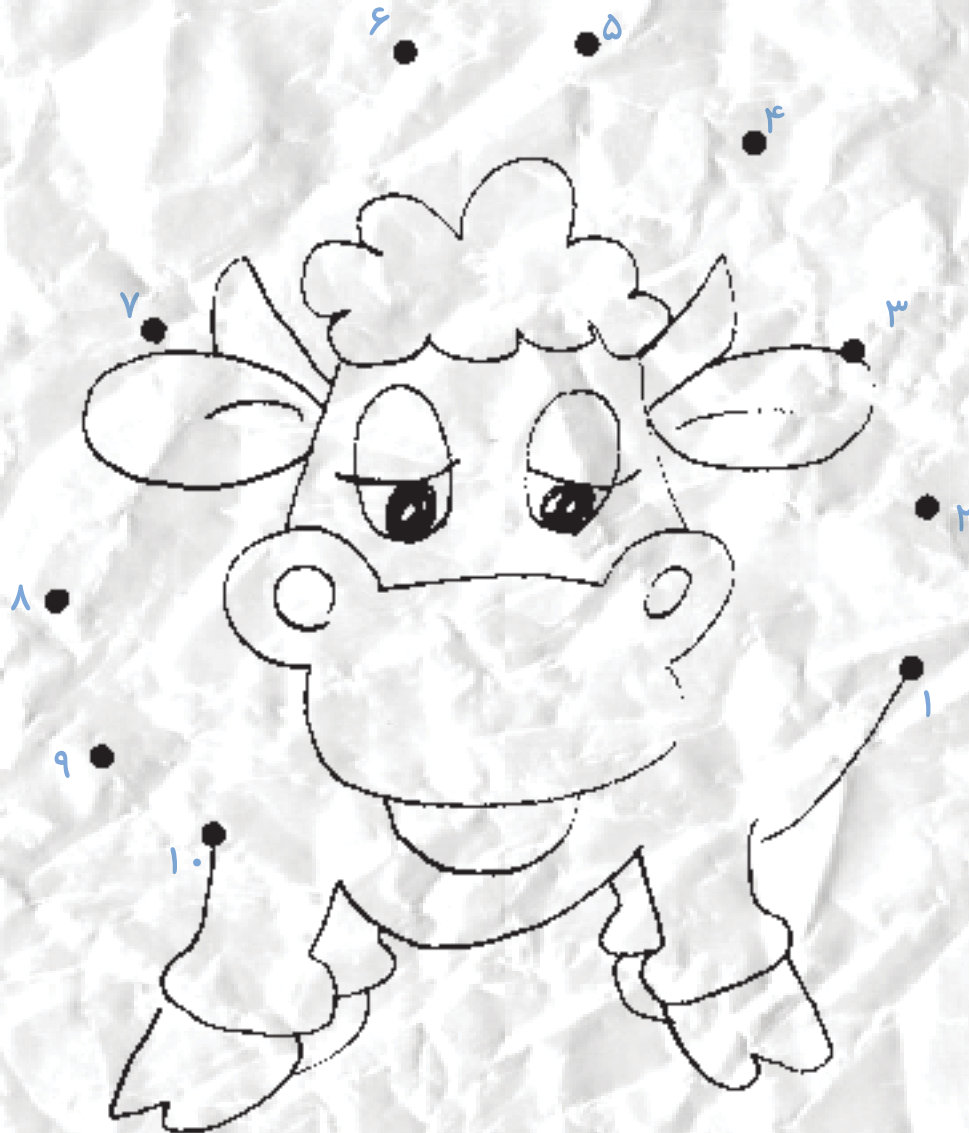
کلاه شعبده باز، موشی را دید و به شوخی پرسید: «می‌خواهی من خانه‌ات شوم؟» موشی یک مرتبه فرار کرد! کلاه با تعجب گفت: «ا...! چرا فرار کرد؟» اما کمی بعد، موشی با موش‌های دیگر آمد. کلاه از دیدن آن‌همه موش تعجب کرد و پرسید: «آمده‌اید نمایش ببینید؟» موشی گفت: «ما آمده‌ایم تا برای ما خانه باشی!» کلاه خندید و گفت: «من با تو شوخی کردم.» موشی گفت: «اما ما خانه می‌خواهیم.» کلاه کمی فکر کرد و گفت: «پس برایتان یک نمایش می‌دهم.» کلاه این طرف چرخید، آن طرف چرخید، آن وقت از خودش، هی کلاه بیرون انداخت. موش‌ها خوش حال شدند و دویدند زیر کلاه‌ها. کلاه پرسید: «نمایش خوب بود؟»

موش‌ها از توی کلاه جواب دادند: «خوب بود! ما
صاحب خانه شدیم.»
کلاه دید که فقط موشی بی‌خانه مانده است. یک
کلاه هم برای او بیرون انداخت و گفت: «این هم
خانه‌ی تو!»





دایره‌های سیاه ۱ تا ۱۰ را به هم وصل کن تا شکل کامل شود. آن را رنگ کن.





فرشته‌ها



مادرم گفته که شب‌ها قبل از خواب دعا کنم و از خدا، برای همه‌ی چیزهای خوبی که آفریده، تشکر کنم.
امروز من و حسین و پدرم با دایی عباس به پارک رفتیم. یک عالمه برف آمده بود. ما با هم برف بازی کردیم و خندیدیم. یک آدم‌برفی هم درست کردیم که حسین آن را خراب کرد. تقصیر حسین نبود. داشت می‌دوید که افتاد روی آدم‌برفی. ما خیلی خندیدیم. حسین هم خندید.

خدایا! برای همه‌ی چیزهای خوبی که آفریده‌ای ممنونم.
خدایا! ممنونم که حسین را آفریدی، پدرم را آفریدی، دایی عباس و برف را آفریدی.
خدایا! ممنونم که خنده و بازی و شادی را آفریدی!



کفش‌های بابا

لا لا لا لا لایی
تو کفشای بابایی
همراه پای بابا
به خونه مون میایی

♦ شکوه قاسم نیا



بنداتو واکن حالا
لا لایی کن لا لا
خسته شدی می دونم
مثل پاهای بابا

صبح که بشه دوباره
باید بری سر کار
پس حالا مثل بابا
چشماتو رو هم بذار



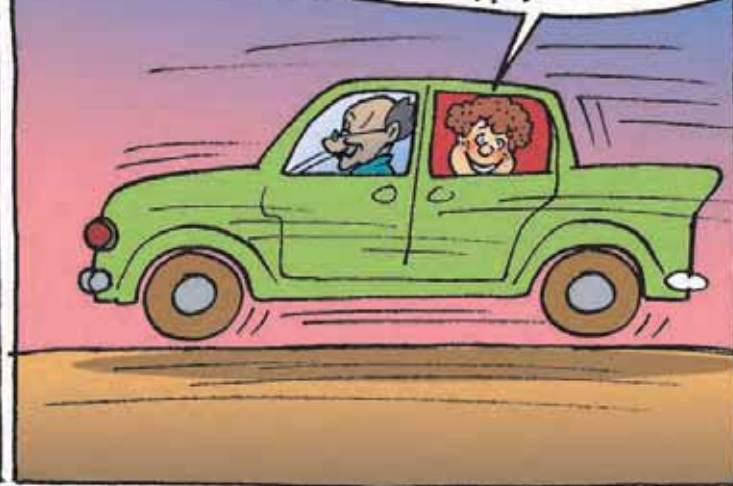




دوست بابا شمال خانه‌داره و کلیدش را
داده ما تا یک هفته آن جا باشیم.



ما داریم می‌ریم مسافرت، خانه‌ی
دوست بابا!



اوناهاش! این هم
خانه! چقدر خوشگله



جیغی سرت را
بیارتو، خطرناکه!



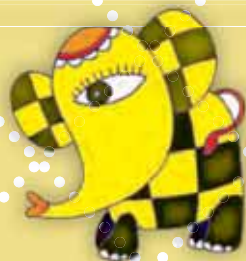
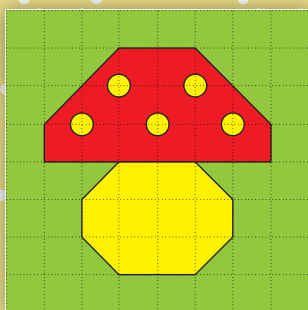




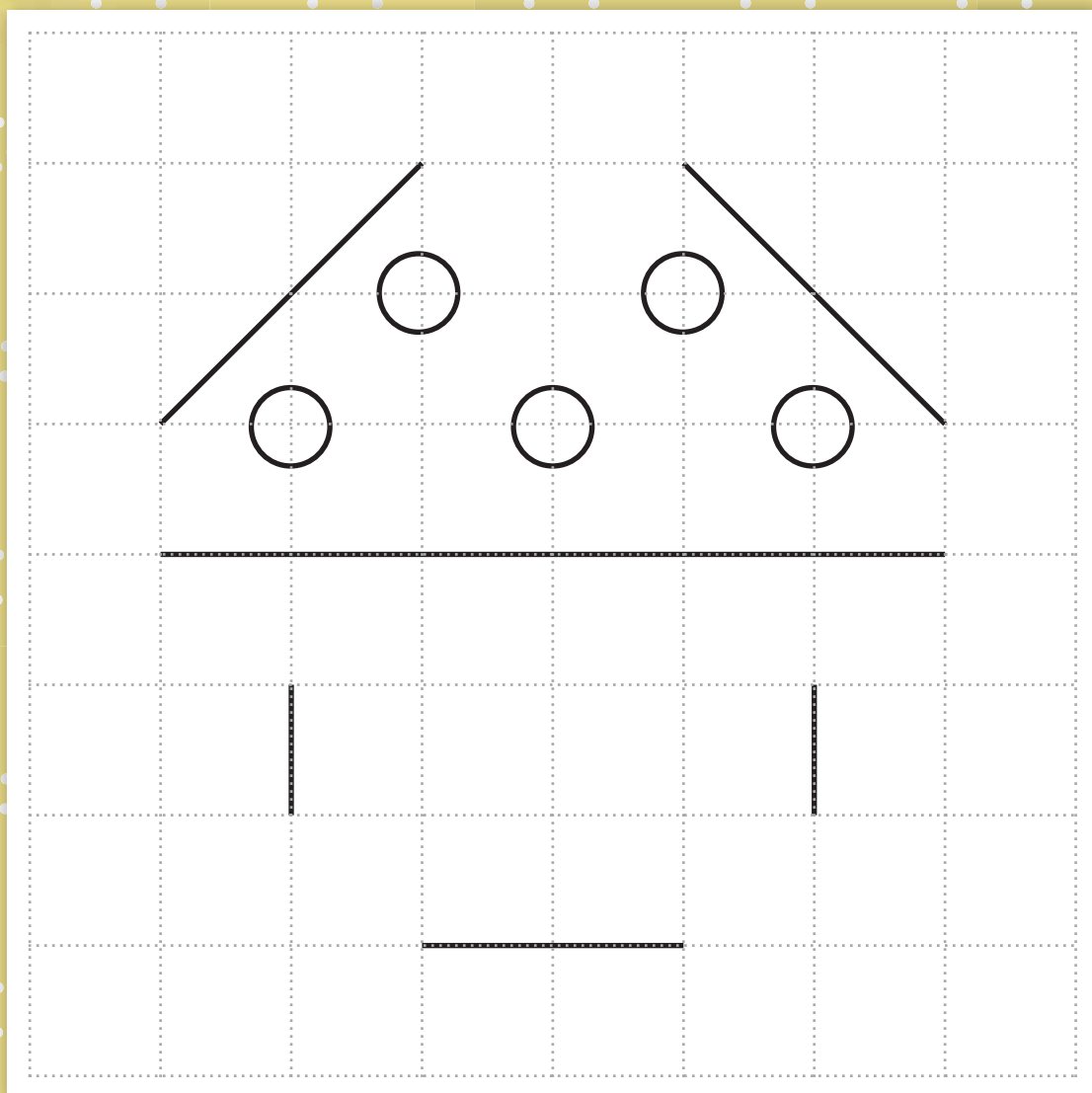
بازی

شکل‌های مربوط به هم را با یک خط به هم وصل کن.





جدول را کامل و رنگ کن.





باد و باران

♦ مرجان کشاورزی آزاد

وقتی باد و باران بازی می کردند، دیوار فقط
تماشای کرد.
باران، قطره هایش را به باد پاشید.
دیوار خیس شد.
باد مشتی دانه به هوا پاشید.
سر تا پای دیوار پر از دانه شد.
باد رفت. باران تمام شد.
دیوار جوانه زد و سبز شد.



میمون



توپ



موش



خرگوش



توپ

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا، هیچ کس نبود.

یک روز ، چشمش به یک  افتاد.  از درخت پایین آمد و  را برداشت. آن

را بو کرد. ، بوی هیچ میوه‌ای را نمی‌داد. ،  را به زمین زد تا پوست آن را مثل

نارگیل بشکند.  به زمین خورد و دوباره برگشت توی دست‌های !  خندید و

دوباره  را به زمین زد. باز هم  برگشت توی دست‌های !  خوردن 

را فراموش کرد و شروع کرد به بازی با آن.  را به درخت زد،  برگشت.  را

به زمین زد،  برگشت.  را شوت کرد،  برنگشت.  خیلی ناراحت شد.

همه جا را گشت اما  را پیدا نکرد.

 رفت و افتاد جلوی لانه .  با خوش حالی از لانه بیرون آمد و  را بو کرد.

 بوی هیچ میوه‌ی خوش مزه‌ای را نمی‌داد.  خواست  را گاز بزند، اما دندان‌هایش

توی آن فرو نرفت. ،  را قل داد و قل داد و آن را برد پیش  و گفت: «دندان‌های

تو بزرگ است! پوست این میوه را بکن تا آن را با هم بخوریم.»  دندان‌هایش را توی  فرو کرد.

اما  قل خورد و رفت آن طرف!  گفت: «پوست این میوه خیلی سفت است.

بیا آن را پیش  ببریم تا مثل پوست نارگیل آن را بشکند!»

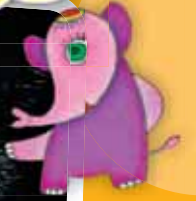
 و ،  را برداشتند و رفتند پیش !  گفت: «پوست این میوه‌ی عجیب

را بشکن تا همه با هم آن را بخوریم.»  خندید و گفت: «این میوه به درد خوردن نمی‌خورد!»

 و  پرسیدند: «پس به چه دردی می‌خورد؟» ،  را به زمین زد و گفت: «به

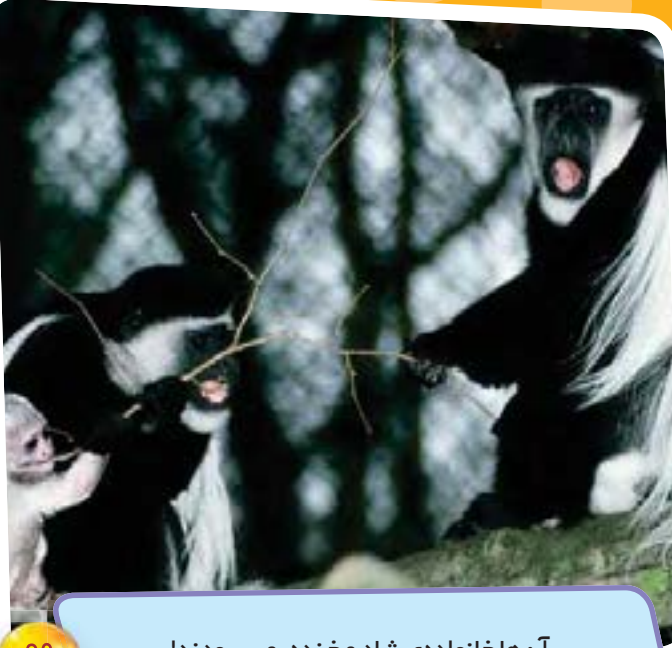
درد بازی!» بعد  و  و  با هم  بازی کردند و کلی خندیدند!

قصه حیوانات



میمون یک بچه‌ی سفید کوچولو داشت.

۱



آنها خانواده‌ی شاد و خنده‌رویی بودند!

۲



ولی هیچ دوستی نداشتند.

۳

۲۲



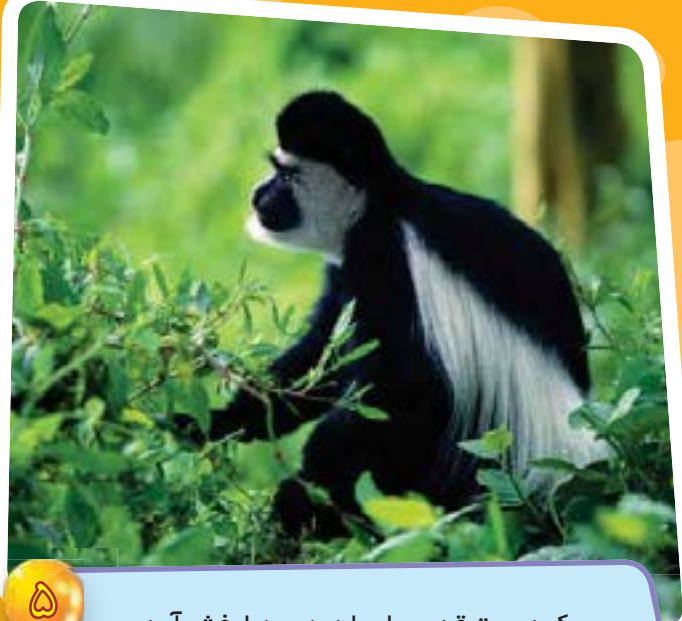
یک روز، وقتی که میمون خوابیده بود...

۴



۶

آن‌ها از دیدن هم خیلی خوش‌حال شدند!



۵

یک دوست قدیمی او را دید و به طرفش آمد.



دوست

میمون هم یک بچه‌ی کوچولو داشت. حالا همه‌ی آن‌ها می‌توانستند با هم دوست باشند!

۷

كارىشى



دوست

خردسالان

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۹۰

هر ماه چهار شماره، هر شماره ۵۰۰۰ ریال

هزینه پست عادی جهت مشترکین شهرستان:

هر نسخه ۲۰۰۰ ریال

هزینه پست عادی جهت مشترکین تهران:

هر نسخه ۱۰۰۰ ریال

هزینه پست سفارشی جهت مشترکین تهران و شهرستان:

هر نسخه ۸۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را به شماره حساب ۰۱۰۲۰۷۰۵۳۸۰۰۲ سپهر

بانک صادرات شعبه انقلاب کد ۷۶ به نام مؤسسه عروج واریز کنید.

(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه کالج،

فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شماره ۸۸۶ امور مشترکین مجله دوست خردسالان ارسال فرمایید.

نظرات و پیشنهادات خود را در ارتباط با اشتراک و نحوه‌ی ارسال مجلات با شماره تلخ ۰۶۶۷۰۶۸۳۳ (۰۲۱) در میان بگذارید.

فرم اشتراک



نام

نام خانوادگی:

تاریخ تولد: ۱۳ / / تحصیلات

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

شروع اشتراک از شماره: تا شماره:

امضاء



نشانی فرستنده:



جای تمپر

نشانی گیرنده:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی، چهار راه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
شماره ۸۸۶ امور مشترکان مجله هفتگی دوست خردسالان





نترانه‌ها

مصطفی رحماندوست

اتل متل نقاره
هر کسی کاری داره
این یکی سیب می خوره
اون یکی سیب می کاره
این آب سیب می گیره
اون آب سیب می فروشه
چه آب سیبی به به!
حیف دو تا هسته توشه!

